سینما چه تصویری از پلیس ساخته است؟

پلیس ایرانی در سلول فراموشی

پوریا غفاری
منتقد سینما

ژانر پلیسی- جنایی از ژانرهای پرطرفدار در میان تماشاگران سینما است که از بدو تولد سینما تا به امروز مخاطبان زیادی را جذب خود کرده است. باتوجه به ظهور مناسبات سرمایه‌دارانه، بروز اختلاف طبقاتی و تعارض میان اغنیا و فقرا و کسب ثروت‌های هنگفت ازطریق راه‌های غیرقانونی، میزان جرم و جنایت از اواسط قرن هجدهم میلادی شکلی سازمان‌یافته‌تر به خود گرفت. با پیشرفت تکنولوژی و به کارگیری ابزارهای فنی در تشخیص جرم، دستگاه پلیس و اِعمال قانون نیز به پیشرفت‌های چشمگیری دست یافت و ژانر پلیسی در ادبیات و بعدتر در سینما متولد شد.

تعارض میان دستگاه پلیس و مجرمان، در هر دوره زمانی با توجه به شرایط اجتماعی آن زمان شکلی بعضا متفاوت به‌خود می‌گیرد. در سینمای ایران، این ژانر چندان رونقی میان فیلمسازان نداشته است. از دلایل آن می‌توان به رشدنیافتگی اقتصادی در ایران در دهه‌های پیش از ۱۳۴۰ اشاره کرد. پس از آن نیز به‌دلیل اعمال قدرت حکومت و تعارض مردم با حکومت شاه، مباحث اجتماعی و سیاسی از رونق بیشتری در پرداخت سینمایی برخوردار بودند. پس از انقلاب اسلامی و به‌ویژه در دهه ۱۳۷۰ شاهد رشد چشمگیر این ژانر هستیم که از دلایل آن می‌توان به تغییر مناسبات اجتماعی و سیاسی و همچنین بروز لیبرالیسم در عرصه اقتصادی اشاره کرد که هرچند آزادی‌های نسبی اجتماعی را به‌همراه داشت، به تعارض میان طبقات اجتماعی فرودست و مرفه دامن زد.

چه اتفاقی بر سر سینمای پلیسی ایران آمده است؟

در تاریخ سینمای ایران، به‌خصوص در اواخر دهه ۵۰ و درطول دهه ۶۰، شاهد رشد سینمای پلیسی بوده‌ایم. شاخص‌ترین چهره در این میان، فیلمساز برجسته ساموئل خاچیکیان بود که هم قبل از انقلاب ۵۷ و هم بعد از آن در این ژانر فیلم ساخت.

اما خاچیکیان تنها نبود و فیلمسازان دیگری هم در این ژانر دست‌به ساخت فیلم‌هایی زدند که تقریبا می‌توان گفت تبدیل به یک جریان در دوره‌ای کوتاه شد.

فیلمسازی در ژانر پلیسی تنها محدود به سینما نبود و در این میان سریال‌های پلیسی زیادی نیز در تلویزیون ساخته می‌شد و این روند حتی تا اوایل دهه ۷۰ با سریال‌های پرمخاطبی همچون «کارآگاه علوی»، «سرنخ» و غیره ادامه داشت. اما چه اتفاقی افتاد که امروزه این ژانر چندان مورد توجه فیلمسازان و مخاطبان قرار نمی‌گیرد؟ از لازمه‌های ژانر پلیسی چه در ادبیات و چه در سینما، رشد مناسبات سرمایه‌داری و به‌تبع آن پیشرفت‌های تکنولوژیکی به‌عنوان زیربنا و تغییرات فرهنگی و رشد عقل‌گرایی به‌عنوان روبنا است. ظهور ژانر پلیسی در سینمای ایران در دهه ۱۳۴۰ به‌وقوع پیوست و برای بررسی اینکه چه بر سر این ژانر آمده است، ظهور و رشد این ژانر در دوره‌های تاریخی ۶۰ سال گذشته را بررسی می‌کنیم.

دهه ۱۳۴۰ و تولد ژانر پلیسی

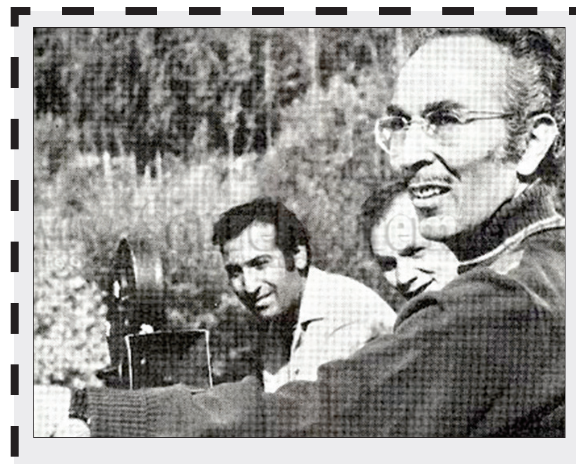

دهه ۴۰ خورشیدی آغاز تغییرات مناسبات اقتصادی در ایران بود. پس از آن حکومت شاه هم درصدد تغییرات فرهنگی گسترده و به سبک غربی برآمد. پس تصادفی نیست که ژانر پلیسی در این دهه متولد شد. البته نکته حائز اهمیت درمورد این دهه، پخش فیلم‌های گنگستری و نوآر سینمای آمریکا در ایران و تحت‌تاثیر قرارگرفتن کارگردانانی همچون خاچیکیان از این ژانر است.

با این حال باتوجه به مواردی که از تغییرات اقتصادی در این دهه گفته شد، با رشد حاشیه‌نشینی و تعمیق اختلاف طبقاتی در این دوره مواجه هستیم. محیط‌های حاشیه‌ای و زاغه‌ها به‌دلیل کمبود امکانات رفاهی و زیستی، محیطی مستعد برای رشد بزهکاری هستند. این دستمایه در فیلم‌های دهه بعد خود را نشان می‌دهد.

از ۵۰ فیلمی که واجد مؤلفه‌های ژانر پلیسی در سینمای ایران بود، ۶ فیلم در این دهه ساخته شد؛ یعنی ۱۲ درصد فیلم‌های بررسی‌شده در این ژانر تا سال ۱۳۹۷. هرچند در اکثر فیلم‌های بررسی‌شده در این پژوهش، قتل در فیلم‌ها حضوری قاطع دارد، اما عنصر مسلط روایت ممکن است نباشد. مضامین اصلی در این دهه از این قرار است:

۱) قاچاق: فریاد نیمه‌شب (قاچاق اسکناس تقلبی)، سرسام (قاچاق الماس)

۲) سرقت: یک قدم تا مرگ (سرقت بزرگ از هتل)، عصیان (سرقت از اتومبیل حامل دستمزد کارگران)، الماس ۳۳ (سرقت فرمول تبدیل نفت به الماس)

۳) توطئه: دلهره (توطئه برای به‌دست آوردن ثروت، اخاذی)

۴) قتل: پنجره

از میان ۴۵۷ فیلم ساخته‌شده در دهه ۱۳۴۰، تنها ۶ فیلم به ژانر پلیسی تعلق دارد؛ یعنی چیزی درحدود ۱/۳ درصد.

دهه ۱۳۵۰، تغییر مفهوم قهرمان و ضدقهرمان

طی دهه ۱۳۵۰ تا سال ۱۳۵۷، فیلم‌های بیشماری ساخته شد که در آنها پلیس به‌عنوان نیروی اعمال گر قانون (چه در وجه مثبت و چه در وجه منفی) ساخته شد. آغاز این دگرگونی در بازنمایی قهرمان، ضدقهرمان و نیروی قانون در وجه سرکوبگرش با فیلم قیصر ساخته مسعود کیمیایی محصول سال ۱۳۴۸ بود. فیلم‌های ساخته‌شده در دهه ۱۳۵۰ را باید با چنین رویکردی تحلیل کرد؛ ضدقهرمانی که مخاطب با او همذات‌پنداری می‌کند و نیروی پلیس که در نقش سرکوبگرش نمود می‌یابد و عدم اطمینانی که به دستگاه پلیس و قانون احساس می‌شود. با این حال در دهه ۱۳۵۷ سه فیلم در ژانر پلیسی ساخته شد. این دهه که همراه با تحولات عظیم اجتماعی و اقتصادی بود، مجالی برای بروز ژانر پلیسی در سینما باقی نگذاشت و فیلم‌های سینمایی یا همانند دهه گذشته به تلفیق رقص و آواز برای جلب مخاطب می‌پرداختند یا مانند سینماگران نوگرای این دهه به بیان مشکلات اجتماعی آن هم در تعارض با نظم مستقر دست می‌زدند. در این دهه سه فیلم در ژانر پلیسی ساخته شد؛ یعنی ۶ درصد فیلم‌های ساخته‌شده در این ژانر. باید به این نکته نیز توجه کرد که باوجود فیلم‌های بسیاری که پلیس نیز در آن حضور دارد و مایه‌هایی از فیلم جنایی را نیز در آنها می‌توان مشاهده کرد، مانند خداحافظ رفیق (۱۳۵۰) ساخته امیر نادری، صادق کرده (۱۳۵۱) ساخته ناصر تقوایی، کافر (۱۳۵۱) ساخته فریدون گله و فیلم‌هایی از این دست، به‌دلیل اینکه فاقد مولفه‌های ساختاری روایت که در فصل دو برشمردیم هستند، مورد بررسی قرار نمی‌گیرند.

مضامین اصلی فیلم‌های این ژانر در دهه ۱۳۵۰ از این قرار هستند:

۱) قتل: صبح روز چهارم، اضطراب (قتل و اخاذی)

۲) قاچاق: کوسه جنوب

تب و تاب انقلاب و دگرگونی و شرایط اجتماعی‌ای که ایجاد شده بود، به‌همراه افزایش قیمت نفت در سال ۱۳۵۳ و افزایش نسبی رفاه طبقه متوسط و همچنین افزایش جمعیت حاشیه‌نشین‌ها، مجالی برای پرداختن به داستان‌های معمایی و پلیسی برای سینماگران نمی‌گذاشت.

در این دهه ۵۹۲ فیلم ساخته شد که سهم ژانر پلیسی از آن سه فیلم بود؛ یعنی حدود ۰/۵ درصد که باتوجه به شرایط اجتماعی دور از ذهن نیست. البته به این مسائل، نظام خودکامه و پادشاهی کشور را نیز باید اضافه کرد، چراکه تا پیش از این با سرکوب، اجازه بروز صداهای مخالف را گرفته بود و با اصلاحات ارضی در سال ۱۳۴۲، تغییرات فرهنگی و اقتصادی‌ای که ایجاد شد، مجال برای بروز تفکرات مخالف در دهه ۱۳۵۰ ایجاد شد و این خشم فروخفته که اندک مجالی یافته بود، کلیت نظام را زیر سوال می‌برد. از طرف دیگر، دستگاه پلیسی و امنیتی کشور که از جدیدترین امکانات و تکنولوژی‌های روز کشورهای پیشرفته بهره‌مند بود، در این دهه مصافی با مبارزان مسلح شهری در ایران را آغاز کرد؛ درنتیجه از درز اطلاعات مربوط به پیشرفت‌ها و امکانات دستگاه پلیسی تا حد امکان جلوگیری می‌شد، چراکه مبارزان مسلح شهری می‌توانستند از آن استفاده کنند، بنابراین دستگاه پلیسی و امکاناتش از دید عموم مخفی نگه داشته می‌شد. در سال‌های پایانی حکومت شاه نیز باوجود خیل ناراضیان، پرداختن به مسائل پلیسی بدون داشتن زمینه انتقاد اجتماعی، ازسوی جامعه پذیرفتنی نبود.

دهه ۱۳۶۰ و رشد دوباره ژانر پلیسی

در دهه ۱۳۶۰ دوباره با رشد ژانر پلیسی و جنایی روبه‌رو هستیم. هرچند کشور در این دوره درگیر جنگ است و تعداد فیلم‌های ساخته‌شده در هرسال بسیار پایین‌تر از سال‌های گذشته است، اما باز با رشد این ژانر مواجه هستیم.

به‌عنوان مثال در سال ۱۳۵۵ تعداد ۶۷ فیلم، سال ۱۳۵۶ تعداد ۴۶ فیلم و سال ۱۳۵۷ تعداد ۶۲ فیلم در این ژانر ساخته شده بود؛ درحالی که در سال ۱۳۵۸ تعداد هشت فیلم، سال ۱۳۵۹ تعداد ۲۶ فیلم، سال ۱۳۶۰ تعداد ۱۹ فیلم و سال ۱۳۶۱ تعداد ۱۴ فیلم در ایران ساخته شد. سال‌های پرالتهاب آغازین پس از انقلاب اسلامی و روشن نبودن تکلیف سینما و همچنین نبود سرمایه دولتی برای ساخت فیلم، دلیل اصلی این کاهش است، اما به‌طور مثال در سال ۱۳۶۰ که ۱۹ فیلم ساخته شد، دو فیلم میراث من جنون و دست شیطان در ژانر پلیسی ساخته شدند.

در دهه ۱۳۶۰ تعداد هشت فیلم در ژانر پلیسی ساخته شد؛ یعنی ۱۶ درصد از فیلم‌های بررسی‌شده در این ژانر. همچنین در دهه ۱۳۶۰ تعداد ۴۰۳ فیلم ساخته شد؛ یعنی حدود ۲ درصد فیلم‌های ساخته‌شده در این دهه را ژانر پلیسی به خود اختصاص داده است. مضامین اصلی این فیلم‌ها عبارتند از:

۱) قتل: میراث من جنون (قتل و تجاوز)، بازجویی یک جنایت (مربوط به زمان گذشته)، دو سرنوشت

۲) سرقت: یوزپلنگ

۳) قاچاق: تیغ و ابریشم (قاچاق مواد مخدر)، تشکیلات (قاچاق مواد مخدر توسط گروه سلطنت‌طلب)

۴) عملیات ضدجاسوسی: دست شیطان (عملیات جاسوسی مربوط به گروگان‌های سفارت‌آمریکا)، نقطه‌ضعف (فعالیت‌سیاسی گروه مخالف)

از مضامینی که در این دهه با آن مواجه می‌شویم، فعالیت ضدجاسوسی است. دهه ۱۳۶۰، کشور هم درگیر جنگ با کشور عراق است و هم گروه‌های مسلح معاند دست به عملیات جسته‌وگریخته می‌زنند. مورد دیگری که به آن می‌توان اشاره کرد، قاچاق مواد مخدر است که تا پیش از این در فیلم‌های این ژانر وجود نداشت. از دلایل اقبال دوباره به این ژانر را می‌توان ممنوعیت فیلم‌هایی با مضمون مسلط رقص و آواز دانست؛ فیلم‌هایی که پرفروش‌ترین‌های زمان خود بودند، اکنون اجازه ساخت ندارند. همچنین کشور در شرایط جنگی است و با تولید فیلم‌های ژانر جنگی، فیلم‌های پلیسی و جنایی هم مورداقبال قرار گرفتند.

دهه ۱۳۷۰، دوران اوج ژانر پلیسی

دهه ۱۳۷۰ را می‌توان دوران اوج ژانر پلیسی برشمرد. تعداد ۱۹ فیلم از ۵۰ فیلم ژانر پلیسی در این دهه ساخته شده است؛ یعنی چیزی حدود ۳۸ درصد فیلم‌های بررسی‌شده در این ژانر. خواست‌های مدنی در این دهه همراه با افزایش شکاف طبقاتی در سطح جامعه بود، موردی که می‌تواند نقطه آغاز تعارض میان طبقات پایینی جامعه با طبقات مرفه باشد و حد تقلیل‌یافته این تعارض را در فیلم‌های این دوره به‌صورت جنایت و توزیع مواد مخدر شاهد هستیم، بنابراین بستر مناسب برای بروز یا شکوفایی این ژانر در دهه ۱۳۷۰ فراهم شد؛

۱) پیشرفت تکنولوژی و دسترسی عمومی به آن مانند تلفن همراه، کامپیوتر و از این قسم ابزار.

۲) افزایش جرم و جنایت که بخشی از آن به‌دلیل افزایش شکاف طبقاتی در جامعه بود.

بنابراین بیشترین فیلم‌های ژانر پلیسی در سینمای ایران در این دهه ساخته شدند. در دهه ۱۳۷۰ جمعا ۵۳۸ فیلم ساخته شد که ۱۹ فیلم در ژانر پلیسی بود؛ چیزی درحدود ۳/۵ درصد کل فیلم‌های ساخته‌شده در این دهه، که بیشترین میزان در میان سایر دهه‌هاست.

مضمون‌های محوری در روایت فیلم‌های این دوره عبارتند از:

۱) سرقت: جست‌وجو در جزیره، از بلور خون (سرقت و قتل)، چشم شیطان (سرقت الماس، مربوط به زمان گذشته)، آخرین بندر (سرقت اسناد محرمانه، مربوط به زمان گذشته)

۲) قتل: بندر مه‌آلود، تماس شیطانی (مربوط به زمان گذشته)، اعاده امنیت (مربوط به زمان گذشته)

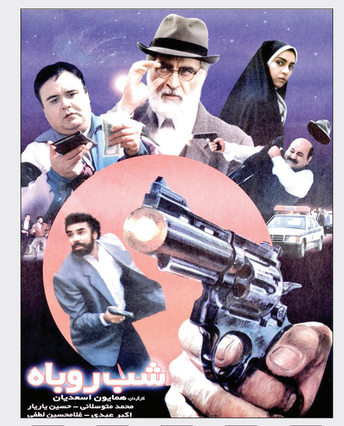

۳) قاچاق: لبه تیغ (قاچاق عتیقه‌جات)، توطئه (قتل، قاچاق دارو)، بازی با مرگ (قاچاق مواد مخدر)، لاک‌پشت (قاچاق مواد مخدر)، سایه‌به‌سایه (قاچاق عتیقه‌جات و خاویار)، شب روباه

۴) عملیات ضدجاسوسی: تعقیب سایه‌ها (عملیات بمب‌گذاری)، پادزهر (عملیات بمب‌گذاری)، روز شیطان (عملیات بمب‌گذاری اتمی)

۵) توطئه: پرده آخر (توطئه برای به‌دست آوردن ثروت، مربوط به زمان گذشته)، مردی در آینه (توطئه برای قتل و کسب ثروت)، بیگانه‌ای در شهر (سرقت اسناد، توطئه برای قتل، مربوط به زمان گذشته)

در این دهه تعداد فیلم‌های ضدجاسوسی و همچنین قاچاق افزایش داشته است. فیلم‌هایی با مضمون قاچاق مواد مخدر هم رشد زیادی داشته است. درصورتی که بیشتر فیلم‌های ساخته‌شده در این دهه زمان وقوع داستان، زمان حال است، زمان وقوع داستان در ۶ فیلم، در زمان گذشته یعنی اواخر قاجار و پهلوی اول است؛ این یعنی ۳۱/۵ درصد کل فیلم‌های ساخته‌شده در این دهه.

از مهم‌ترین عوامل اقبال به ژانر پلیسی در دهه ۱۳۷۰ را می‌توان این‌گونه فهرست کرد:

۱) آزادی نسبی سیاسی و فرهنگی که مجالی برای انتقاد محدود از شرایط اجتماعی را می‌داد (پذیرش معضلاتی همچون قاچاق گسترده مواد مخدر توسط مسئولان)

۲) پیشرفت‌های تکنولوژیک و دردسترس همگان قرارگرفتن آنها

۳) افزایش شکاف طبقاتی و درنتیجه افزایش بزه‌های شهری

۴) پایان یافتن جنگ و ظهور ژانر جایگزین برای فیلم‌های جنگی که هم پرتحرک باشد و هم داستانی پرکشش داشته باشد

۵) اقبال تماشاگران به ژانری که سرگرم‌کننده باشد.

دهه ۱۳۸۰، دوره افول ژانر پلیسی

در دهه ۱۳۸۰ تنها ۶ فیلم در ژانر پلیسی ساخته شد؛ یعنی ۱۲ درصد فیلم‌های بررسی‌شده در این ژانر. این درحالی است که در دهه ۱۳۸۰ بیشترین تعداد فیلم ساخته شده است، ۷۶۹ فیلم؛ چیزی درحدود ۰/۸ درصد کل فیلم‌های ساخته‌شده در این دهه. عناصر روایی مسلط یا مضامین اصلی در این دهه به‌صورت زیر است:

۱) قتل: قتل آنلاین، کارناوال مرگ (قتل سریالی)

۲) عملیات ضدجاسوسی: شکار روباه (عملیات جاسوسی صهیونیست‌ها، دزدیدن فرمول اتمی و قتل)

۳) سرقت: مخمصه (قتل سریالی)، چهره به چهره (سرقت، قتل و اخاذی)

۴) توطئه: برخورد خیلی نزدیک (توطئه برای قتل)

نکته حائز اهمیت، سوای کاهش چشمگیر فیلم‌های ژانر پلیسی نسبت‌به دهه گذشته‌اش، استفاده از ابزار تکنولوژیک و فضای مجازی برای ارتکاب به جرم در فیلم قتل آنلاین است. همچنین از مضمون قاچاق، چه مواد مخدر و چه عتیقه‌جات در این دهه خبری نیست.

ادامه از صفحه ۱۲

دهه ۱۳۹۰، تغییر رویکرد فیلم‌های ژانر پلیسی

از نظر اجتماعی و اقتصادی، دهه ۱۳۹۰ ادامه‌دهنده شرایط اقتصادی دهه پیش از خود است، با این حال نکته حائز اهمیت در مورد این دهه، افزوده شدن عنصر روایی خاص این دوره، در فیلم‌های «اژدها وارد می‌شود» ساخته مانی حقیقی در سال ۱۳۹۴ و «هجوم» ساخته شهرام مکری در سال ۱۳۹۶ می‌باشد. هرچند عنصر روایی مسلط در هر دوی این فیلم‌ها قتل است، اما رویکرد جنایی-پلیسی در این فیلم‌ها با یک فضای سوررئال فانتزی درهم می‌آمیزد؛ بنابراین این عنصر روایی را که در این دهه شاهد آن هستیم را می‌توان قتل-فانتزی نام نهاد.

۷ فیلم از ۵۰ فیلم مورد بررسی در این ژانر یعنی ۱۴ درصد در دهه ۱۳۹۰ ساخته شده‌اند.

در مورد فیلمی مانند «ماهی و گربه» ساخته شهرام مکری در سال ۱۳۹۲ و اکران شده در سال ۱۳۹۳، با وجودی که در پس‌زمینه آن جنایت جریان دارد و قتل‌های پی‌درپی در آن رخ می‌دهد، اما با توجه به اینکه تلاشی برای کشف معما توسط شخصیت‌های فیلم صورت نمی‌گیرد و طرح و روایت کلی فیلم درصدد افشای راز این قتل‌ها نیست، از بررسی آن خودداری کردیم.

فیلمسازان سینمای ایران هرچه جلوتر آمدند، دوربین‌شان را به زیست اجتماعی پلیس‌ها و مجرم‌ها نزدیک‌تر کردند و به‌خاطر همین نزدیکی به جزئیات زندگی دنیای تبهکاران، آثار پلیسی به سینمای اجتماعی نزدیک شد. در آثاری همچون «متری شیش‌ونیم»، تبهکاران قربانیان فضای اجتماعی‌شان هستند و اتفاقا با همین ترسیم بود که دیگر مثل گذشته وجوه قهرمانی پلیس دیده نمی‌شد. درچنین مختصاتی مخاطب پلیس قهرمانش را بیشتر در معرض خطا می‌دید و البته که قهرمانش به دنیای واقعی آدم‌ها نزدیک‌تر شد. متری شیش‌ونیم از این جنس آثار پلیسی است. اگرچه تصویر پلیس متری شیش‌ونیم محل بحث بین «ناجا» نهاد سفارش‌دهنده‌اش و سازندگانش قرار گرفت، اما سرجمع توانست مخاطبانش را به‌وسط معرکه واقعی پلیس و تبهکار دهه ۹۰ پرتاب کند.

درمورد عناصر مسلط روایی در فیلم‌های ژانر پلیسی ساخته شده در این دهه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. قتل: باغ قرمز، گناهکاران، یک مرد یک شهر/ توطئه (قتل، گروهک‌های خرابکار).

۲. قتل فانتزی: اژدها وارد می‌شود (قتل، وجود اژدها در زیرزمین)، هجوم (قتل، خون‌آشام).

۳. قاچاق مواد مخدر: مرگ سپید، ۳۶۰ درجه، متری شیش‌ونیم (قاچاق مواد مخدر، قتل).

هرچند در دهه ۱۳۹۰ نیز تعداد فیلم‌های ژانر پلیسی رشد چندانی نسبت به دهه پیش از خود نداشت، با این حال واجد نکته مهمی است و آن تلفیق ژانر پلیسی-جنایی با فضای سوررئال و فانتزی است. همان‌گونه که در فصل پیش گفته شد، گذار از رویکردهای سنتی به ژانر پلیسی-جنایی در این دهه آغاز شده است و نوید تولد ژانر تلفیقی که هم می‌تواند فروش گیشه و مخاطبان بالایی داشته باشد و هم تحسین منتقدان را به‌دنبال داشته باشد. پیشرفت‌های تکنولوژیکی در زمینه جلوه‌های ویژه و استفاده از امکانات گسترده روایت در این دهه، باعث ظهور این تلفیق ژانری شده است.

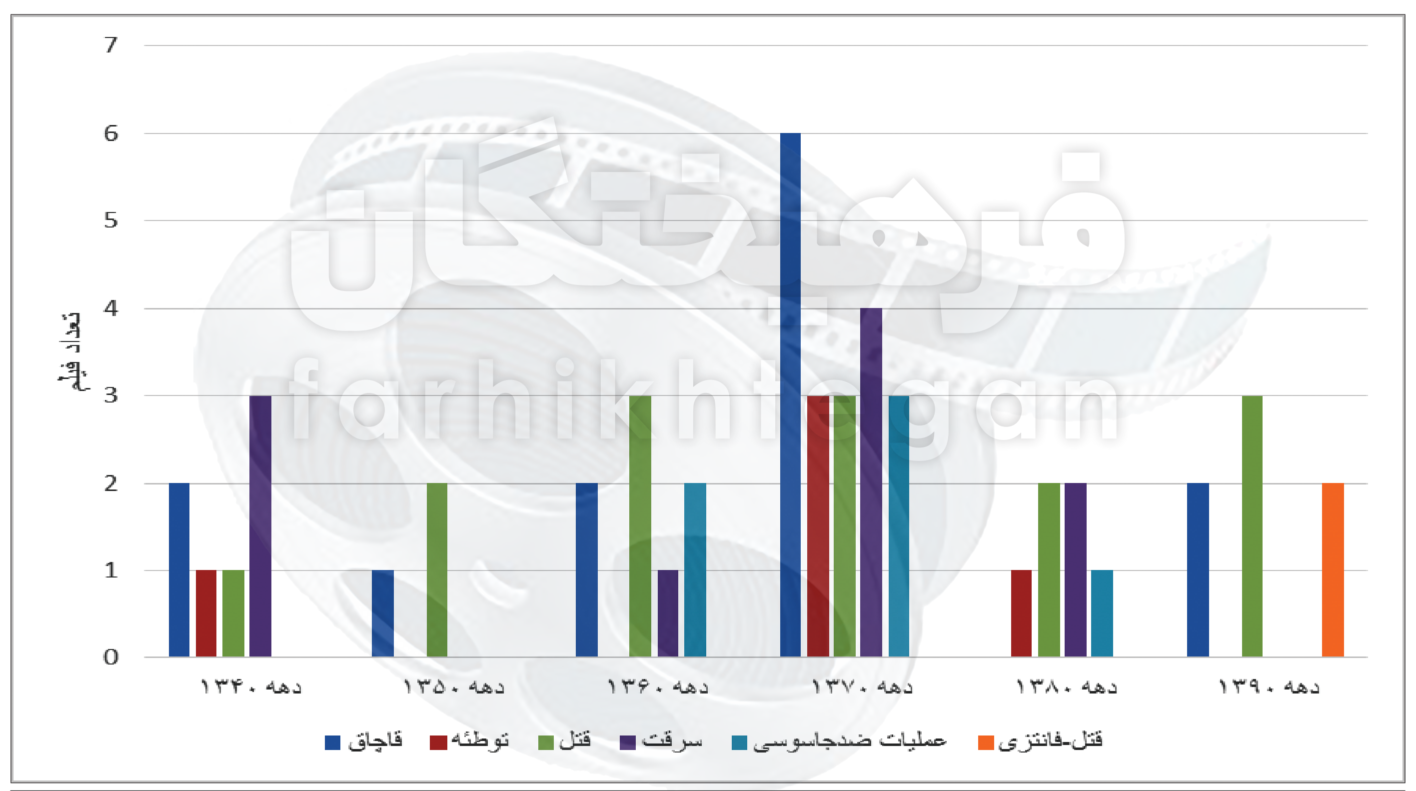

نمودار مضامین مسلط و فراوانی آنها در ژانر پلیسی شش دهه گذشته

نگاه

نگاهی به فیلم‌های پلیسی در چهار دهه سینمای ایران

عاطفه جعفری
روزنامه‌نگار

فیلم‌های پلیسی و معمایی همیشه یکی از ژانرهای پرطرفدار در سینما و تلویزیون هستند و مخاطبان خاص خود را دارند. مخاطبانی که برای دیدن سریال موردعلاقه‌شان منتظر می‌مانند و با گره‌های پی‌درپی باز هم مشتاق هستند تا درنهایت ببینند چه اتفاقی می‌افتد؟ و گره‌های فیلم یا سریال موردعلاقه‌شان چطور به پایان می‌رسد. به بهانه هفته نیروی انتظامی سراغ نقش پلیس در سینما و تلویزیون رفتیم تا ببینیم چقدر در این ژانر موفق بودیم و به چه مسائلی باید در فیلم‌هایی با این ژانر توجه شود.

در دهه ۶۰، آثار سینمایی پلیسی، بیشتر به موضوع موادمخدر و قاچاق می‌پرداخت و کارگردان‌ها سعی می‌کردند در این ژانر بسازند، با توجه به اینکه مخاطب هم به این مدل فیلم‌ها علاقه نشان می‌داد. فیلم «تیغ و ابریشم» یک نمونه از فیلم‌های پلیسی است که سال ۱۳۶۴ به نویسندگی و کارگردانی مسعود کیمیایی ساخته و اکران شد. این اثر یکی از فیلم‌های پلیسی قدیمی ایرانی محسوب می‌شود که سراغ سوژه موادمخدر و دستگیری باندهای تبهکاری رفته است. فیلم تیغ و ابریشم نیز مانند فیلم‌های دیگر مسعود کیمیایی یک فیلم حادثه‌ای و معمایی است که در دهه ۶۰ و در ژانر خود توانست توجه مخاطبان این مدل فیلم را به خود جلب کند. تیغ و ابریشم ازجمله آثاری بود که جمشید هاشم‌پور را در این ژانر به‌عنوان یک قهرمان نشان داد.

دهه ۷۰ اما آغاز مدل جدیدی از فیلم‌های پلیسی بود؛ فیلم‌هایی که همچنان به بحث موادمخدر می‌پرداختند و در کنارش موضوعاتی مثل قتل و نقش پررنگ پلیس باعث جذابیت بیشتر برای مخاطب می‌شد. فیلم «قافله» یک فیلم پلیسی اکشن ایرانی است که سال ۷۱ توسط مجید جوانمرد ساخته شد و توانست توجه مخاطبان و علاقه‌مندان فیلم‌های پلیسی را به‌خود جلب کند. این فیلم سینمایی درباره درگیری‌های پلیس با قاچاقچیان و رسیدگی به ماجرای قتل و پیدا کردن قاتل است که در نوع خود یکی از فیلم‌های پلیسی جذاب محسوب می‌شد. داستان فیلم قافله درباره کشته شدن یک افسر پلیس در جریان درگیری نیروی انتظامی با قاچاقچیان است. موضوع موادمخدر و قاچاقچیان همچنان برای کارگردان‌ها جذاب است و با ساخت این مدل فیلم‌ها می‌خواهند همان روند موفقیت‌آمیزی را که در این دهه وجود داشت، ادامه دهند.

فیلم سینمایی «نیش» هم ازجمله آثار این دهه بود که با استقبال مخاطب همراه بود. داستان فیلم نیش درباره یک افسر تجسس نیروی انتظامی است که به‌تازگی باعث اعدام شدن یک قاچاقچی شده بود و این موضوع باعث اتفاق‌های جدیدی می‌شود. در دهه ۷۰ فیلم‌های پلیسی جزء فیلم‌های محبوب دسته‌بندی می‌شد. البته باید این مساله را درنظر بگیریم که همراه با موضوعات پلیسی، معما و گره هم به این فیلم‌ها اضافه می‌شد و جذابیت آن را برای مخاطب زیاد می‌کرد. «عقرب» هم مثل همان فیلم‌های دهه ۷۰ در ژانر پلیسی ساخته شد اما به‌خاطر موضوع اکشن و معماگونه در نوع خود موفق بود. فیلم عقرب نیز حول محور قاچاقچیان موادمخدر و تلاش‌های پلیس برای دستگیری آنهاست؛ اما به‌خاطر شگفت‌زدگی‌ای که در طول فیلم برای مخاطب ایجاد می‌کرد، جذابیت بیشتری نسبت به فیلم‌های دیگر داشت.

سال ۷۵ یک فیلم دیگر در ژانر پلیسی، اکشن و معمایی ساخته شد که در نوع خود فیلم موفقی بود. «شب روباه» نیز همانند فیلم‌های دیگر دهه ۷۰، در زمان اکران، بازخوردهای خوبی از سوی مخاطبان دریافت کرد. این فیلم درباره یک قاچاقچی حرفه‌ای و سابقه‌دار موادمخدر به نام «روباه» است.

دهه ۸۰، اما ژانر پلیسی وارد مرحله دیگری شد. حالا پلیس‌ها فقط قهرمان نبودند و گاهی هم ضدقهرمان می‌شدند. فیلمسازان سعی می‌کردند در فیلم‌هایشان به‌جای موضوع موادمخدر و قاچاقچیان که در دهه ۷۰ بسیار جذاب بود، مسائل دیگری را موردتوجه قرار دهند. یکی از این نمونه‌ها فیلم «چه کسی امیر را کشت» ساخته مهدی کرم‌پور است. یک فیلم پلیسی و معمایی که روایتگر یک داستان جنایی پرفرازونشیب است که مخاطب در ابتدای فیلم ممکن است کمی گیج شود و نتواند با آن ارتباط برقرار کند. شیوه روایت داستان فیلم چه کسی امیر را کشت با سایر فیلم‌های ساخته‌شده در این ژانر کمی متفاوت است و به همین دلیل ممکن است مورد پسند تمام مخاطبان واقع نشود. اما این فیلم با نگاه و سبکی متفاوت به مقوله قتل می‌پرداخت. این فیلم درباره تحقیقات پلیس برای پیدا کردن قاتل شخصی به نام «امیر» است. پلیس در طول روند داستان سراغ دوستان و آشنایان امیر می‌رود تا بتواند سرنخی پیدا کند. آشنایان امیر در ابتدا به‌خوبی از او یاد می‌کنند، اما کمی بعد تمام آنها شروع به بدگویی از او کرده و پلیس را گیج می‌کنند.

فیلم سینمایی «صحنه جرم ورود ممنوع»، به کارگردانی ابراهیم شیبانی، یکی دیگر از فیلم‌های سینمایی است که در ژانر پلیسی و اکشن در سال ۱۳۸۴ ساخته شده. این فیلم، یک اثر جنایی و اجتماعی است و به برخی مشکلات جامعه می‌پردازد و داستان پنج شریک است که مشغول ساختن یک برج هستند و در میان آنها مشکلاتی به وجود می‌آید و پلیس وارد ماجرا می‌شود.

نکته مهم در فیلم‌های پلیسی دهه ۸۰، کم‌شدن مخاطبان این فیلم‌ها به‌خاطر ضعف در ساخت بود و مهم‌ترین مساله هم به این برمی‌گشت که وارد دهه‌ای از سینمای ایران شدیم که مسائل اجتماعی پررنگ شد و همین مساله باعث شد ژانر پلیسی و اکشن کمرنگ شود. مثلا فیلم سینمایی «مخمصه» به کارگردانی و نویسندگی محمدعلی سجادی که برای ساخت آن، هزینه زیادی هم انجام شد، درنهایت از فیلم استقبال خوبی نشد.

نیمه‌های دهه ۸۰ دیگر فیلم‌های پلیسی برای مخاطب جذابیتی نداشتند و با تغییر ژانرها، سینما به‌سمت فیلم‌های اجتماعی رفته بود. حالا دیگر رویکرد به پلیس در فیلم‌ها درحال تغییر بود، پلیس‌ها از آن قهرمان‌هایی که برای حفظ امنیت، همه کار انجام می‌دهند و آرامش را برای مردم می‌آورند به پلیس‌هایی به شخصیت خاکستری تبدیل می‌شوند که دیگر قهرمان نیستند.

دهه ۹۰ نیز ادامه روند دهه ۸۰ است، اما با این تفاوت که شاید شخصیت پلیس، به شخصیت پلیس‌هایی که در واقعیت وجود دارد، نزدیک است و همین مساله باعث می‌شود مخاطب همزادپنداری بیشتری با این پلیس داشته باشد.

فیلم سینمایی «گنهکاران» ساخته فرامرز قریبیان که در سال ۹۱ ساخته شد، ازجمله آثاری است که توانست با غافلگیری‌ای که برای مخاطب داشت، او را جذب کند اما آنچنان هم در گیشه موفق نبود. اما پلیس این فیلم سینمایی را می‌توان با پلیس‌های دهه ۶۰ و ۷۰ مقایسه کرد که شخصیت قهرمان داشتند.

فرزاد موتمن در سال ۹۴ فیلم سینمایی «آخرین بار کی سحر را دیدی؟» را ساخت. فیلمی که نمی‌توان آن را در طبقه‌بندی فیلم‌های اکشن پلیسی آورد. نقش پلیس در این فیلم هم با توجه به اجتماعی بودن فیلم پررنگ می‌شود. فیلمسازان سینمای ایران هرچه جلوتر آمدند، تصمیم گرفتند که به دنیای پلیس‌ها و مجرم‌ها نزدیک‌تر شوند و دوربین هرچه به جزئیات زندگی دنیای تبهکاران نزدیک‌تر می‌شد، آثار پلیسی سیاسی هم به فضای سینمای اجتماعی بدل می‌شد. تبهکاران قربانیان فضای اجتماعی بودند که در آن رشد کرده بودند و اتفاقا با همین ترسیم بود که دیگر پلیس وجوه قهرمانی را بروز نمی‌داد.

شهرام مکری فیلمساز خوبی است، وقتی وارد ساخت فیلم پلیسی هم می‌شود باز هم می‌تواند فیلم خوبی را رقم بزند. فیلم «هجوم» را می‌توان جزء آثار پلیسی، جنایی دانست. فیلم هجوم درباره یک پرونده قتل است که پلیس با کمک دوستان مقتول سعی در پیدا کردن قاتل دارد. این قتل در یک ورزشگاه اتفاق افتاده است و پلیس با ورود به صحنه قتل، سرنخ‌هایی به دست می‌آورد؛ اما دوستان مقتول قصد ندارند با پلیس همکاری کنند. این فیلم با اکران در کشورهای خارجی هم توانست نظر آنها را هم جذب کند و یک دلیل آن شخصیت پلیس است که شخصیتی باهوش دارد و نزدیک به پلیس‌هایی است که در فیلم‌ها و سریال‌های خارجی می‌بینیم.

با گسترده شدن فضای مجازی و دسترسی همه به این فضا و نگاه به سریال‌ها و فیلم‌های خارجی خیلی‌ها معتقد بودند که پلیس در فیلم‌های ما شبیه پلیس واقعی نیست و فیلمسازان بسیار سعی کردند این ضعف را در فیلمسازی‌شان در دهه ۹۰ تغییر دهند. پلیسی که در فیلم «متری شیش‌ونیم» سعید روستایی می‌بینیم، پلیس متفاوتی است. خیلی‌ها معتقدند وقتی گذرشان به آگاهی و با پلیس موادمخدر افتاده است دقیقا مانند همین شخصیت فیلم را بسیار دیده‌اند. اما وقتی این فیلم اکران شد، نیروی انتظامی معتقد بود که شخصیت‌های پلیس هیچ شباهتی به واقعیت ندارند و شخصیت‌ها غلوشده هستند. اما سعید روستایی می‌گفت برای نوشتن فیلمنامه چند ماهی را در آگاهی بوده است تا بتواند تصویر درستی از پلیس نشان دهد.

مطمئنا مواجهه شبانه‌روز پلیس با انواع و اقسام جرم‌های مختلف نشان از این دارد که می‌توان سوژه‌های زیادی برای ساخت فیلم‌های سینمایی پیدا کرد. نکته مهم این است که پلیس در سینمای ایران یک حضور و جایگاه محکم ندارد. در سال‌های اخیر درست است که سعی شده پلیس فیلم به پلیس در واقعیت تبدیل شود اما آن وجهه امنیت و آرامشی که همیشه برای پلیس قائل هستیم، کم شده و سمت‌وسوی دیگری پیدا کرده است.

در سینمای جهان معمولا شخصیت پلیس جذاب و کاریزماتیک به تصویر کشیده می‌شود و آن نیروی مقتدر و مجری قانون، در قالب قصه‌هایی نفسگیر و تماشایی اجازه نفس کشیدن به افراد مجرم و هنجارشکن را نمی‌دهند. البته پلیس فاسد هم بارها در این فیلم‌های سینمایی جهان تصویر شده است اما باز هم درمقابل آنها کسی را داریم که به‌عنوان نیروی مقتدر و برقرارکننده نظم و امنیت در جامعه و حامی مردم دربرابر قانون‌شکنی و بی‌عدالتی می‌ایستد.

چارسو

۱۷هزار بلیت برای اکران آنلاین یک انیمیشن ایرانی

اعتراض استاد محمود فرشچیان به تخریب‌ها در اصفهان

تهیه‌کننده «ایلدا»: بازیگران بومی توانایی داریم

نوید محمدزاده و محمدرضا گلزار، گرفتار کرونا شدند

ادامه در صفحه ۱۳